

فواصل فضائی و زمانی حریم در سکونتگاه‌های عشایری

محسن افشاری*

چکیده

انسان همواره در تعامل با محیط اجتماعی خود، مراتبی از حریم را با منظوره‌های متفاوت، برای خود، افراد پیرامون خود و انجام فعالیت‌های خود در نظر می‌گیرد. ایجاد حریم به دو عنصر؛ معانی ذهنی که ایجاد حریم را حکم می‌کنند و دوم، امکانات موجود فرد، وابسته است. حریم، دیده نشدن، شنیده نشدن، بوئیده نشدن و در دسترس قرار نداشتن چیزهایی است که با رعایت فواصل فضائی و زمانی در محیط زندگی افراد عینیت می‌یابند. مسأله اصلی این تحقیق، کنکاش در مورد ماهیت حریم در محیط‌های مسکونی بوده و هدف آن، فهم دلایل و منشأ شکل‌گیری حریم در این محیط‌ها است. اهمیت و ضرورت این تحقیق را می‌توان در یک تعریف از خانه بدین صورت ارائه نمود که خانه، مرکز فعالیت‌های روزمره انسان است که این فعالیت‌ها با حریمی از یکدیگر روی می‌دهند؛ لذا ضرورت دارد که ماهیت این حریم مورد بررسی قرار گرفته که همین تعریف، اعتبار بیرونی تحقیق را در جهت بازتعریف مناسب این حریم در طراحی محیط‌های مسکونی، شاخص می‌نماید. پژوهش پیش رو که بر مبنای مشاهده و توصیف محیط انسان‌ساخت قرار گرفته، با استدلال منطقی، به خصوصیات انواع حریم، منشأ و نحوه نمایش آن در محیط زندگی انسان می‌پردازد که با مصداق‌های عینی از محیط سکونت ایل قشقائی آراسته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که معانی ذهنی که بر ایجاد حریم در محیط‌های مسکونی مطالعه موردی حکم‌فرما بوده، از «جایگاه اجتماعی» و «موقعیت افراد و فعالیت‌های خانوار» تأثیر می‌پذیرند و امکاناتی که در محیط برای تأمین حریم به کار گرفته شده، خصوصیات فضائی و زمانی محیط انسان‌ساخت هستند. خصوصیات فضائی، وجوهی هم‌چون «فاصله فضائی» و «جلو/عقب» را در محیط کالبدی برای تأمین حریم به دست داده و خصوصیات زمانی، وجوهی مانند «فاصله زمانی» و «توالی زمانی قرارگاه‌ها» را به کار گرفته که ریشه در رعایت فواصل بویایی، شنوایی و بینایی محرمیت در فرهنگ دارند. نتایج این پژوهش، به فهم چگونگی شکل‌گیری سکونتگاه‌های انسانی و چگونگی استفاده انسان از قابلیت‌های محیط پیرامون برای تعامل با محیط اجتماعی خود، کمک می‌نمایند.

مقدمه

محیط زندگی انسان، متشکل از محیط اجتماعی و کالبدی در مقیاس‌های مختلف است و انسان بالاچار برای حفظ و حراست خود و متعلقات خود در محیط اجتماعی پیرامون، تدابیری را به کار می‌گیرد. انسان از طریق این تدابیر، پیام‌های خود یعنی منظورها و معانی ذهنی خود را به دیگران فهمانده و رفتار مورد نظر خود را از دیگر کنشگران محیط اجتماعی طلب می‌کند. «پارسونز»^۱ (۱۹۵۳)، «کنش اجتماعی»^۲ را همه رفتار انسانی می‌داند که انگیزه و راهنمای آن معانی است که کنشگر آنها را از دنیای خارج کشف می‌کند؛ معانی که توجه او را جلب کرده و به آنها پاسخ می‌دهد. بنابراین، ویژگی‌های اصلی کنش اجتماعی، در حساسیت کنشگر به معانی جنبه‌ها و موجوداتی بوده که در محیط هستند و آگاهی یافتن به این معانی و واکنش به پیام‌هایی است که آنها می‌فرستند (روشه، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۲). آن‌چه که موجب می‌شود میان کنشگر و اشیای محیط او روابط کنش متقابل به وجود آید، ثبات یابد و دوام بیاورد، الگوها، هنجارها و ارزش‌هایی هستند که برای کنشگر، فردی یا جمعی، معنایی داشته، در شخصیت فرد درونی شده و در عین حال در جامعه و فرهنگ نهادینه شده‌اند. ساخت نظام کنش^۳، شامل الگوهای فرهنگی معانی است که در نظام اجتماعی و فرهنگ نهادی، تحت تأثیر الگوهای بیرونی، در سازمان ذهنی افراد درونی شده‌اند (همان: ۱۰۳-۹۹).

تعامل انسان و محیط، از طریق قواعد، هنجارها و ارزش‌ها و به عبارتی الگوهای فرهنگی صورت می‌پذیرد که درباره مقوله فرهنگ و وجوه آن، محققینی از جمله؛ آشوری و همکاران (۱۳۸۱)، پهلوان (۱۳۸۸؛ ۱۳۹۰) و آشوری (۱۳۸۹) قلم رانده‌اند. فرهنگ، نظم مشترکی در میان انسان‌ها است که انسان را در محیط سمت‌وسو داده و باعث ایجاد نظم معینی می‌شود (شولتز، ۱۳۸۲: ۵۴). نظام فرهنگی، به فرد یک نظام ارزشی و معنایی بخشیده که از ترکیب آن با ساختمان طبیعی بدن و انرژی حیاتی، نظام رفتاری فردی پدید می‌آید. نظام رفتاری فرد، در درون نهادها و ساختارهای اجتماعی نظام رفتار جمعی قرار دارد. نظام رفتار جمعی، جامعه‌ها را از یکدیگر جدا و بازشناخت می‌کند. فرهنگ، تمامی نظام حسی و عاطفی؛ یعنی نظام ارزشی و معنایی ناخودآگاه و هم نظام ارزشی و معنایی خودآگاه را به فرد می‌بخشد. نظام ارزشی و معنایی خودآگاه در قالب حکم‌های اخلاقی و نظری، به اصطلاح جهان‌بینی فرد و جمع را باز می‌تاباند؛ بنابراین، فرد هنگامی هویت اجتماعی و انسانی می‌یابد که این نظام از

پیش داده را در خود جذب کرده و با آن یکی شود (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

از دیدگاه رفیع‌پور، «هنجارها» از مفاهیم مرکزی و هسته‌ای جامعه و یکی از عناصر مهم فرهنگ بوده که در کلیه شئون زندگی وجود دارند. هنجار، وسیله‌ای برای تنظیم روابط اجتماعی و طریق بهتر ارضا شدن نیازها است. «ماکس وبر»^۴ هنجارها را به سه نوع؛ ۱. عادات، ۲. آداب و رسوم و ۳. قوانین و مقررات تقسیم کرده است. عادات، بسیاری از قاعده‌مندی‌های رفتارهای اجتماعی بوده که فقط در پی تکرار می‌آیند. آداب و رسوم، عاداتی بوده که افراد مدت بیشتری به آن عمل کرده و دارای توجیه استدلالی هستند. قوانین، مقررات و قراردادهای اجتماعی، یک نوع قاعده‌مندی و هنجار بوده که به صورت منطقی و هدفمند برای تأمین خواسته‌ها، اهداف و منافع افراد تدوین شده و نوعی تضمین اجرا از طریق مجازات رسمی را در بر دارند. یک هنجار به مدت چند نسل به سنت تبدیل شده و به تدریج جزئی از فرهنگ می‌شود. در هر نهاد اجتماعی^۵، اساسی‌ترین بخش‌های زندگی، روابط اجتماعی و وظایف در هر بخش خاص در قالب یک مجموعه به هم پیوسته از هنجارها و نقش‌ها تعریف، تنظیم، تصمیم، سازمان‌دهی و تثبیت شده و پایدار می‌مانند (رفیع‌پور، ۱۳۸۹: ۲۶۳-۱۷۷).

آن‌چه که از میان مطالب فوق اهمیت می‌یابد این است که الگوهای محیط ساخته‌شده، تبلور بیرونی فرهنگ بوده (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۶۲) و ساختارهای انتزاعی نظیر فرهنگ، به کنش‌های انضمامی و ترتیبات در فضا و محیط تبدیل می‌شوند (Lefebvre, 1991). فرهنگ، یک مفهوم نظری و یک برجسب بر طیفی از پدیدارهای انسانی بوده که مفهومی مجرد، کلی و گسترده است که از طریق سلسله مراتب جهان‌بینی^۶، ارزش‌ها^۷، روش زندگی^۸ فردی و جمعی و دیگر عناصر واسط، بر محیط ساخته‌شده تأثیر گذاشته و آن را سامان می‌بخشد (Rapoport, 1980: 11; 1993; 2005: 93). در همین رابطه است که برخی از خصوصیات فضایی و زمانی محیط‌های مسکونی، تبلور بیرونی حریم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معانی ذهنی هستند که منشأ آنها، نظام ارزشی وابسته به فرهنگ است. با توجه به مطالب فوق، مسأله اصلی این تحقیق، کنکاش در مورد ماهیت حریم در محیط‌های مسکونی است و هدف اصلی آن را فهم دلایل و منشأ شکل‌گیری حریم در این محیط‌ها تعریف می‌نماید. بنابراین، سؤال پژوهش را می‌توان بدین گونه بیان نمود که؛ چه حرایمی در محیط‌های مسکونی اهمیت دارند؟ و دلایل و منشأ شکل‌گیری حریم در سکونتگاه‌های انسانی چیست؟

و معانی اهمیت دارند. «فضا» نه تنها در بر گیرنده مفاهیم عینی همانند فاصله و مساحت بوده، بلکه دارای مفهوم اجتماعی نیز است. لوفور (۱۹۹۱)، مفهوم فضای اجتماعی را ارائه می‌کند که از نظر او هم عینی و هم مفهومی است. فضای اجتماعی، قلمروی است که «زندگی فرهنگی جامعه» در آن هدایت می‌شود. فضا به‌وسیله جامعه؛ یعنی به‌وسیله الگوهای کنش متقابل اجتماعی، تولید می‌شود، ولی خود را بر استفاده‌کنندگان نیز تحمیل کرده و در نتیجه به جامعه شکل می‌دهد. استدلال «لوفور» در تولید فضا این بوده که فضا، یک تولید اجتماعی یا یک مجموعه ساخت اجتماعی بر پایه ارزش‌ها و معانی است که ادراکات و کاربردهای فضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، استدلال این تحقیق نیز مبتنی بر این مسأله است که مفهومی هم‌چون حریم، هم ابعاد اجتماعی و هم ابعاد عینی دارد.

راپاپورت (۱۹۹۳؛ ۲۰۰۵)، طراحی محیط را سازمان‌دهی چهار عنصر «فضا، زمان، تعاملات و معنی» تعریف نموده است. برنامه‌ریزی و طراحی در همه مقیاس‌ها می‌تواند به‌عنوان سازمان‌دهی فضا برای مقاصد مختلف به‌کار گرفته شود؛ زیرا که فعالیت‌ها، ارزش‌ها و مقاصد اشخاص و گروه‌های سازمان‌دهی‌کننده را منعکس می‌کند. افراد همان‌طور که در فضا زندگی کرده، در زمان نیز زندگی می‌کنند. وجوه فضایی و زمانی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. محیط هم‌چنین تعاملات اجتماعی بین افراد را هدایت، کنترل و تسهیل می‌کند. «تعاملات» اجتماعی که نیاز به مراتبی از حریم داشته، به ارتباط کلامی و غیر کلامی بین افراد برمی‌گردند؛ در حالی که «معنی»، به ارتباط غیر کلامی از محیط به افراد اشاره کرده که در این رابطه، رعایت حریم در محیط برای ارتباط غیر کلامی با دیگر افراد محیط اجتماعی اهمیت می‌یابد.

«معنی» در محیط ساخته‌شده، اشاره به «منظوری» دارد که خصوصیات محیط ساخته‌شده آن را تأمین می‌نماید؛ به‌طور مثال، افراد برای ایجاد خلوت و تأمین حریم، قرارگاه‌های رفتار خصوصی خود را از طریق جداره‌ها، موانع و یا فواصل فضایی، از محیط پیرامون جدا کرده تا امکان رویداد فعالیت‌های مورد نظر خویش را فراهم آورند. توضیح چرایی جداسازی و نیاز به خلوت، برای دیگر عناصر اجتماعی محیط به‌طریق ارتباط کلامی غیرممکن بوده و حتی منجر به اثرات منفی شده، تا جایی که رویداد فعالیت را نیز متوقف می‌نماید؛ لذا رویکرد ارتباط غیر کلامی، از طریق محیط ساخته‌شده استفاده می‌شود. در این حالت، حریم [ارزش] و جداسازی [پیامد] از طریق محیط [رویکرد] ارتباط غیر کلامی [امکان‌پذیر] شده تا معنی [منظور] انسان تأمین شود (افشاری، ۱۳۹۴: ۴۷).

اهمیت و ضرورت این تحقیق را می‌توان در یک تعریف از خانه بدین صورت ارائه نمود که خانه، مرکز فعالیت‌های روزمره انسان است که این فعالیت‌ها با حریمی از یکدیگر روی می‌دهند؛ لذا ضرورت دارد که ماهیت این حریم مورد بررسی قرار گرفته که همین تعریف، اعتبار بیرونی تحقیق را در جهت بازتعریف مناسب این حریم در طراحی محیط‌های مسکونی، شاخص می‌نماید. نوآوری این تحقیق از آن جهت بوده که اگر چه وجود حریم در مسکن امری بدیهی به‌نظر می‌رسد، ولی تا کنون به نحوه شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر آن پرداخته نشده است.

پیشینه پژوهش

از آنجا که ساختن یک مسکن، پدیده‌ای فرهنگی بوده، شکل مسکن و سازمان و نظم فضایی آن، متأثر از محیط فرهنگی است که مسکن به آن تعلق دارد. هدف مسکن، ایجاد محیطی است که به بهترین شکل با شیوه زندگی یک قوم هماهنگ و منطبق باشد. بناهای متعلق به سنت مردمی، ترجمان مستقیم و ناخودآگاه نیازها، ارزش‌ها و هم‌چنین تمایلات و غرایز یک قوم به زبان فرهنگ مادی آن ملت هستند (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۳).

محیط‌های مسکونی به‌لحاظ ابعاد روان‌شناختی و سکونتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. «هدف اصلی مسکن، ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است که علاوه بر تأمین نیازهای شخصی، باید نیازهای کیفی و نیازهای اجتماعی او را نیز برآورده نماید» (پوردیهیمی، ۱۳۹۰)؛ که یکی از مهم‌ترین این نیازهای کیفی، نیاز به مراتبی از حریم در تعامل با محیط اجتماعی پیرامون است.

حریم، توانایی کنترل انسان بر محدوده برخی فضاها بوده و امنیت، حفاظت از تجاوزهای ناخواسته توسط افراد بر حریم زندگی ساکنان است (همان، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۱۵۰). پوردیهیمی، به مسأله مراتب حریم در «زندگی خانوادگی» و «زندگی اجتماعی خانوادگی» در محیط‌های مسکونی نیز اشاره کرده است. «زندگی خانوادگی» دارای مرتبه‌ای از حریم خصوصی است و «زندگی اجتماعی خانوادگی» در دو سطح روابط اجتماعی با «وابستگان نزدیک و اقوام» و «دوستان و آشنایان غریبه‌تر» تقسیم می‌شود که اولی، ارتباط معمول گسترده خانوادگی را شامل شده که حریمی نیمه‌عمومی دارد و دومی که معاشرت با افراد غریبه بوده، دارای حریمی کاملاً عمومی است.

برای برقراری تعاملات دو سویه بین انسان و محیط او، به‌ویژه روابط میان فردی، جنبه‌های ذهنی هم‌چون ارزش‌ها

افراد، منظوره‌های خود از جمله حریم را که ارتباط کلامی یا رفتاری برای ابراز آن غیرممکن یا منتهی به هر گونه خطر می‌شود، در قالب محیط ساخته‌شده بیان نموده تا منظور خود را برای برقراری یک ارتباط قوی و مؤکد تأمین کنند. محیط ساخته‌شده، مرزهای فضایی و زمانی برای بیان معانی ذهنی انسان است تا اثرات نامطلوب روابط اجتماعی را کنترل کرده و حریم مطلوب و لازم برای رویدادهای زندگی انسان پیش آورد. آنچه که این پژوهش به دنبال آن بوده، فهم «انواع و منشأ حریم» است که به نظر می‌رسد وابسته به ارزش‌ها و معانی ذهنی در نظام فرهنگی افراد باشد و در قدم بعدی، چگونگی نمایش حریم در محیط مورد توجه قرار می‌گیرد. نمونه موردی این تحقیق، ایل قشقایی از اقوام ساکن در جنوب فلات ایران هستند. ایل قشقایی هم‌چون دیگر عشایر ایران زمین، دامدار بوده و بین قشلاق‌های جنوب ایران و ییلاق‌های مرکزی ایران کوچ می‌کنند. قشقایی‌ها، مسلمان و شیعه‌مذهب بوده و به زبان ترکی قشقایی صحبت می‌کنند (پیمان، ۱۳۴۷).

نکته مهم در مورد انتخاب و مطالعه موردی ایل قشقایی، ساخت و انتظام محیط مسکن توسط خود خانوارهای عشایری است. این گونه مسکن (شکل ۱) نسبت به دیگر انواع مسکن در محیط‌های شهری یا روستایی، دارای این وجه تمایز است که تمام اجزای مسکن عشایری توسط اعضای خانوارهای عشایری ساخته و سامان‌دهی شده و مستقل از دخالت دیگر

افراد انتظام می‌یابد؛ بنابراین برای مطالعه عوامل مؤثر و معانی حاکم بر شکل‌گیری حریم، مناسب است.

عنصر اصلی مسکن عشایر قشقایی، سیاه‌چادرهای دست‌باف با سازه‌ای از طناب و دیرک چوبی است (افشاری، ۱۳۷۷؛ ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۸ ب؛ ۱۳۹۰). مبلمان منزل قشقایی‌ها نیز منسوجات دست‌باف زنان عشایر هستند (افشاری، ۱۳۸۸ الف؛ ۱۳۸۹ ب؛ علینقی‌زاده و افشاری، ۱۳۸۹). سیاه‌چادرهای قشقایی به‌عنوان عناصر اصلی مسکن آنها، قابلیت مناسبی برای نصب و جمع و تغییر شکل سریع را داشته و برای زندگی کوچ‌روی مناسب هستند (افشاری، ۱۳۸۹ الف؛ ۱۳۸۹ ب؛ Alinaghizadeh et al, 2012). مطالعات مقدماتی نیز در باب فعالیت‌های روزمره زندگی در محیط مسکن قشقایی‌ها صورت گرفته‌اند (Afshari et al, 2012). بنابراین برای فهم وجوه مردم‌شناسانه روش زندگی، عناصر کالبدی مسکن عشایری و ویژگی‌های رفتاری در محیط مسکن آنها، مطالعات فوق، زمینه مناسبی را برای بررسی زندگی و مسکن ایل قشقایی ایجاد می‌نمایند که پژوهشگر برای نیل به اهداف پژوهش، آنها را مد نظر قرار داده است.

روش پژوهش

روش‌شناسی نحوه تولید نتایج و نظریه پژوهش، بر حسب قواعد الگوهای پدیده‌ها است. «تفاوت نظریه و قواعد در این بوده که قاعده‌مندی، تکرار پدیده‌ها است و قواعد، الگوهایی در سطح پدیده‌ها هستند، اما نظریه‌ها، مدلی برای فرآیند



شکل ۱. فواصل فضایی معنادار حریم قرارگاه‌ها در یک یورد عشایری (نگارنده)

از دریافت اطلاعات لازم، مفهوم «اشباع نظری» (همان) تعیین کننده تعداد نمونه‌ها، مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و دریافت داده‌ها بود و گردآوری داده‌ها تا موقع تکراری شدن داده‌ها و عدم دریافت داده جدید، ادامه یافت.

به منظور بیان یافته‌های تحقیق، از نمودارهای «سلسله پیامد-معنی» استفاده شد که مطابق با شکل ۲، بیان می‌نماید که یک فاصله فضائی یا زمانی برای رعایت حریم چه پیامدهایی دارد و معانی و منظوره‌های حاکم بر این فواصل چه هستند؛ بنابراین، زنجیره‌ای از پیامدها را برای کشف و فهم منشأ ایجاد حریم به دست می‌دهد.

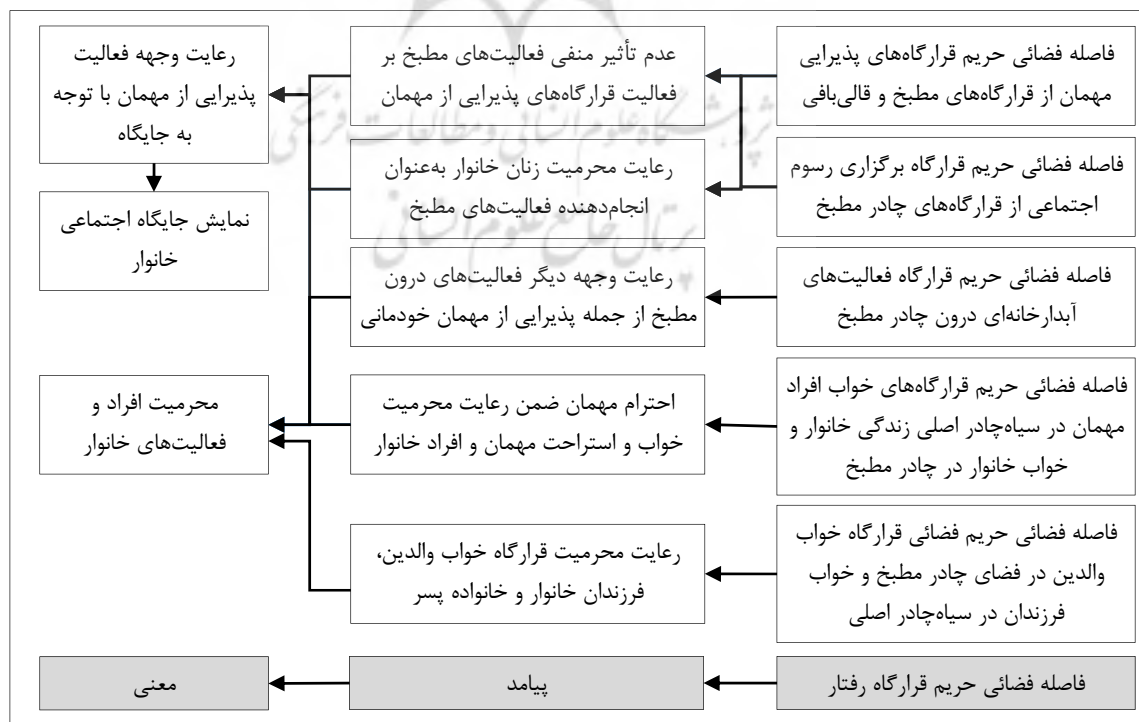
یافته‌های پژوهش

یکی از مفاهیمی که به مطالعه وجوه زمانی و فضائی حریم کمک نمود، مفهوم «قرارگاه رفتار»^{۱۱} است. قرارگاه‌های رفتار به واسطه مکان‌ها و زمان‌های مشخص تعریف می‌شوند و عناصر انسانی و کالبدی آن به گونه‌ای سازمان یافته عمل کرده که فعالیت‌ها در نظم قاعده‌مند اتفاق می‌افتند (Wicker, 1979; Barker, 1968). قرارگاه‌های رفتار، تأثیر تعیین کننده بر محیط داشته که علل و ویژگی‌های آن توسط محققین بررسی شده‌اند (Rapoport, 2005; Scott, 2005; Wicker, 2012). آنچه که در مورد قرارگاه‌ها اهمیت دارد، نحوه حریم گذاری قرارگاه‌ها، ماهیت تفکیک و تجمیع قرارگاه‌های مختلف رفتار

تولید قاعده‌ها بوده و هر نظریه بر اساس قواعد شکل می‌گیرد» (Hillier, 2007: 3)؛ لذا شناخت انواع حریم، منشأ و چگونگی نمایش حریم در محیط ساخته شده، برای فرآیند طراحی و ایجاد آن لازم است.

با توجه به ماهیت مسأله و ابعاد فرهنگی و اجتماعی پژوهش، از «روش تحقیق کیفی» (Charmaz, 2006؛ بازرگان، ۱۳۸۹) با «نمونه‌گیری نظری هدفمند» استفاده شده است تا از این طریق بتوان به محتوای ذهنی افراد دست یافت (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱). با توجه به این که معرفی مصداق‌های حریم در محیط ساخته شده اهمیت داشت، از مثال‌هایی از محیط انسان ساخت بومی ایل قشقائی، طایفه دره‌شوری و تیره آشوری در منطقه آئین قرین استان اصفهان استفاده شد. علت انتخاب این مورد، یکپارچگی فرهنگی این گروه و انطباق مسکن آنان با خواسته‌ها و ذهنیات آنها است. در این تحقیق، از تکنیک‌های گردآوری اطلاعات هم‌چون؛ عکس برداری از محیط و فعالیت‌ها، ترسیم نقشه‌های انتظام فضائی، ترسیم دیاگرام قرارگاه‌های رفتار و مصاحبه نیمه ساختار یافته نردبانی استفاده و از یک روند استدلالی برای اخذ نتایج بهره گرفته شد.

با توجه به ثبت خصوصیات فضائی و ویژگی‌های قرارگاه‌های رفتار مسکن، از مصاحبه نیمه ساختار یافته، به صورت نردبانی و با طرح چهره‌های متوالی، پیامدها و معانی حاکم بر فواصل فضائی و زمانی حریم مورد پرسش قرار گرفتند. برای اطمینان



شکل ۲. نمودار سلسله پیامد-معنی حاکم بر حریم قرارگاه‌ها (نگارنده)

در محیط زندگی گروه مورد مطالعه بود. البته راهکارهای کلامی و پوشش لباس در محیط‌های بومی در رعایت حریم دخیل هستند که خارج از موضوع این پژوهش است.

اولین قدمی که می‌توان از طریق آن به فهم حریم نائل آمد، دقت در «فواصل فضایی» در محیط است و قدم دوم، دقت در این که بین چه چیزهایی و چرا این فواصل به وجود آمده‌اند. به‌طور معمول، فواصل فضایی بین قرارگاه‌ها ایجاد می‌شوند. بررسی نشانه‌های قلمرو وجود قرارگاه در یوردهای اسکونتگاه‌های ایل قشقائی نشان می‌دهد که حریم قرارگاه از دو طریق قابل فهم است؛ اول، رویداد فعالیت (عناصر غیر ثابت) که خود به‌عنوان معرف حریم قرارگاه‌ها عمل کرده و دوم، عناصر نیمه‌ثابت مانند مبلمان که محدوده قرارگاه را تعریف می‌کنند. از آنجا که یوردهای قشقائی یک مسکن مبتنی بر انتظام توأمان زمانی و فضایی قرارگاه‌ها هستند، علاوه بر ثبت عناصر نیمه‌ثابت، مشاهده رویداد فعالیت قرارگاه، راهنمای درک حدود فضایی و زمانی قرارگاه‌ها و فهم مسائل، وابسته به زمان‌مندی و فضا‌مندی آن بوده است. با توجه به چارچوب روش تحقیق، یافته‌های میدانی و مصاحبه‌ای به‌صورت نمودارهای «سلسله پیامد-معنی» مطابق با شکل ۲ ترسیم شده تا منشأ معانی تأثیرگذار بر ایجاد حریم را قابل فهم نمایند.

در سکونتگاه‌های عشایری، تعداد فضاها محدود بوده و در عوض، قرارگاه‌های رفتار متعددی وجود دارند. با توجه به جهت‌گیری این تحقیق، فضاهای اصلی سرپوشیده در زندگی عشایر، سیاه‌چادر اصلی و چادر مطبخ بوده که در هر کدام، قرارگاه‌های مختلفی وجود دارند. در بعضی خانواده‌های با منزلت اجتماعی پایین نیز فقط یک فضای سیاه‌چادر استفاده می‌شود که نمونه آن در شکل ۳ قابل مشاهده است. چادر مطبخ، پذیرایی عمده فعالیت‌های زندگی خانواده شامل صرف صبحانه، ناهار، شام، دورهم‌نشینی، فعالیت‌های آشپزی و فعالیت‌های آبدارخانه‌ای مطبخ در فضای بسته است. در هنگام پذیرایی از مهمان، سیاه‌چادر اصلی، محل رویداد پذیرایی از مهمان رسمی است و کلیه فعالیت‌های مربوط به آشپزی و دیگر فعالیت‌های مرتبط با حضور زنان، در مرتبه‌ای عقب‌تر اتفاق می‌افتد.

یافته‌های اولیه حاکی از این است که افراد انجام‌دهنده فعالیت‌ها از نقطه‌نظر جنسیت یا جایگاه اجتماعی، بر ویژگی‌ها و انتظام قرارگاه فعالیت‌ها تأثیر تعیین‌کننده‌ای گذاشته؛ به‌طوری که قرارگاه‌های حضور و فعالیت مردان و زنان خانوار، خصوصیات فضایی متفاوتی را می‌طلبند. قرارگاه‌های والدین و فرزندان و هم‌چنین قرارگاه‌های مهمان رسمی یا مهمان خودمانی نیز علی‌رغم انجام فعالیت مشابه، معانی و پیامدهای متفاوتی را بر قرارگاه‌های خود حاکم می‌نمایند.

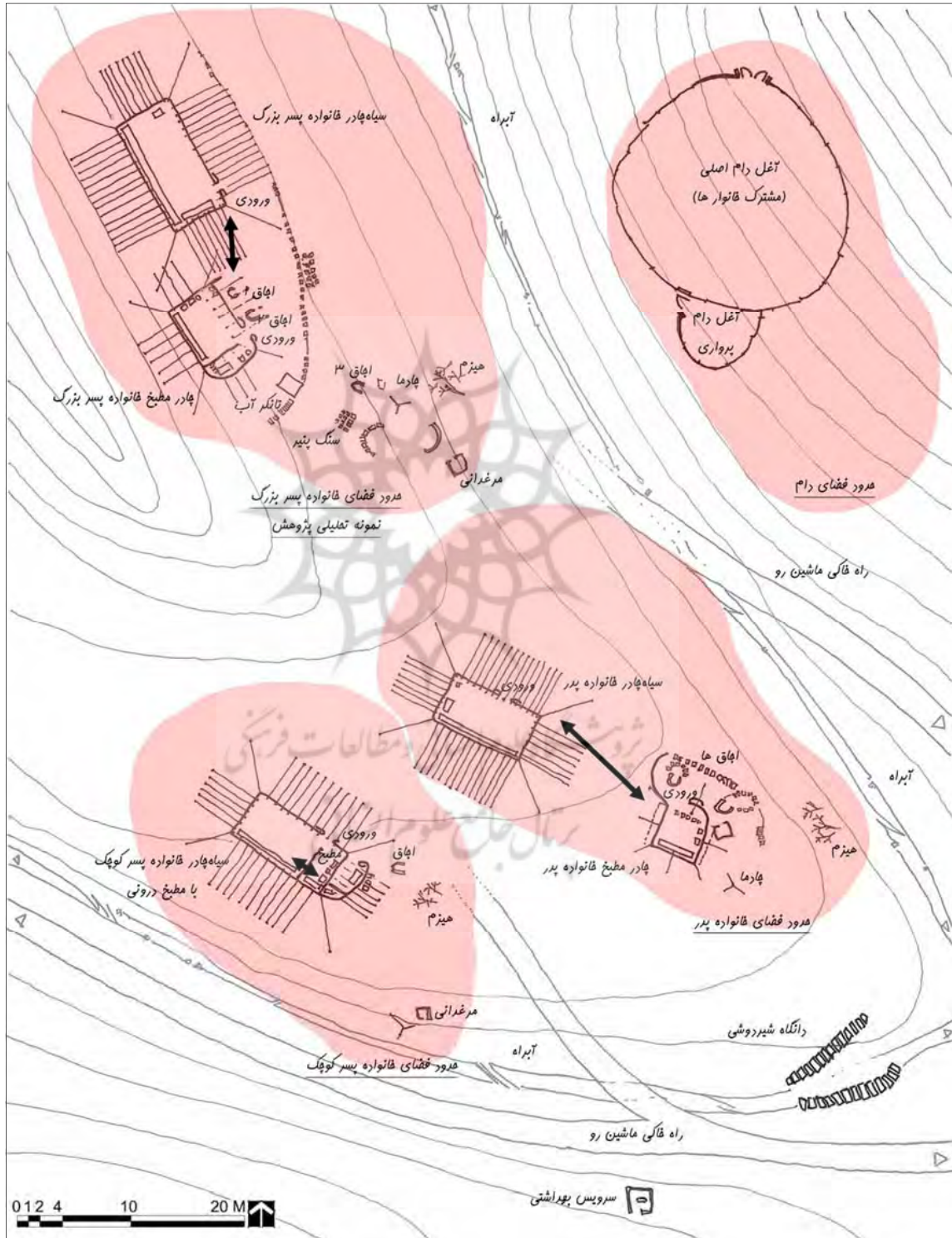
در یوردهای ایل قشقائی، «رویداد فعالیت پذیرایی از مهمان رسمی» با «جایگاه اجتماعی خانوار» در ارتباط بوده و امکان رویداد هم‌زمان یا مجاورت با دیگر قرارگاه‌های فعالیت در یورد را ندارد؛ ضمن این که حضور مهمان رسمی، نیازمند رعایت محرمیت افراد خانوار به‌خصوص زنان است، ولی «رویداد فعالیت پذیرایی از مهمان خودمانی»، امکان هم‌زمانی با دیگر فعالیت‌ها از جمله آشپزی و قالی‌بافی را دارد. لذا رویداد فعالیت «پذیرایی از مهمان» با توجه به نوع مهمان، با پیامدها و معانی متفاوتی همراه است. رویداد فعالیت توسط زنان خانوار، نیازمند رعایت محرمیت آنها است. در یوردهای ایل قشقائی، محرمیت زنان و قرارگاه‌های فعالیت آنها، پیامدها و خصوصیات فضایی مناسبی را دارا هستند تا محرمیت آنان تأمین شود.

پیامد حریم فضایی قرارگاه‌ها، ریشه در معانی «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار» و «رعایت محرمیت خانواده» دارد. به‌منظور «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار»، قرارگاه‌های چادر مطبخ از «قرارگاه‌های پذیرایی از مهمان رسمی» در سیاه‌چادر اصلی زندگی خانوار تفکیک می‌شوند تا با عدم تأثیر منفی فعالیت‌های مطبخ بر فعالیت قرارگاه‌های پذیرایی از مهمان، وجهه فعالیت پذیرایی از مهمان متناسب با جایگاه اجتماعی خانوار رعایت شود. این تفکیک، با حضور افراد مهمان در برگزاری آداب و رسوم اجتماعی ارتباط دارد که برای احترام به مهمان، قرارگاه‌های حضور مهمان رسمی از سایر قرارگاه‌ها تفکیک می‌شوند. به‌منظور رعایت وجهه فعالیت‌های «پذیرایی از مهمان خودمانی» در چادر مطبخ، قرارگاه فعالیت‌های آبدارخانه‌ای از درون چادر مطبخ تفکیک می‌شود. توأمان با مسأله فوق، تفکیک قرارگاه‌ها برای «رعایت محرمیت زنان خانوار» است که بی‌ارتباط با رعایت الگوهای فرهنگی و هم‌چنین نمایش جایگاه اجتماعی خانوار نیست. در واقع، معنی دومی که در مصاحبه‌های پژوهش برای تفکیک «قرارگاه‌های پذیرایی از مهمان» و «قرارگاه‌های مطبخ و قالی‌بافی» ذکر شد، «رعایت محرمیت زنان خانوار» به‌عنوان انجام‌دهنده فعالیت‌های مطبخ و قالی‌بافی است. هم‌چنین برای رعایت محرمیت قرارگاه خواب والدین و فرزندان یا افراد مهمان یا خانواده پسر، تفکیک قرارگاه‌های رفتار روی می‌دهد. نکته قابل توجه این است که تفکیک قرارگاه‌ها در یوردهای ایل قشقائی، با توجه به الگوهای فرهنگی رعایت فواصل مناسب شنیداری، بویایی و بینایی شکل می‌پذیرد.

موقعیت ورودی در محیط مسکن نیز با معانی حاکم بر حریم قرارگاه‌ها مرتبط است؛ به‌گونه‌ای که باعث عدم اختلاط ورودی با قرارگاه‌های رفتار خانوار برای رعایت محرمیت افراد

شکل ۳، نشان دهنده انتظام فضائی یک یورد عشایری شامل خانواده پدر و خانواده‌های دو پسر او بوده که مسکن هر خانواده متشکل از سیاه‌چادر خانوار و چادر مطبخ و عناصر نیمه‌ثابت محیط اطراف آن است. به‌طور معمول، خانوارهای عشایری

و فعالیت‌های خانوار شود. با توجه به تفکیک قرارگاه‌های یوردهای عشایری برای تأمین معانی ذهنی، تعبیه مناسب ورودی‌های هر فضا برای تسهیل روابط فضائی قرارگاه‌های رفتار نیز اهمیت دارد.



شکل ۳. فواصل متفاوت حریم قرارگاه‌های مطبخ از قرارگاه پذیرایی از مهمان متناسب با مراتب جایگاه اجتماعی هر خانواده (نگارنده)

به صورت گسترده مطابق با معرفی شکل ۳ زندگی می‌کنند. سیاه‌چادر مطبخ، پذیرای عمده فعالیت‌های زندگی خانواده شامل صرف صبحانه، ناهار، شام، دورهم‌نشینی، فعالیت‌های آشپزی و فعالیت‌های آبدارخانه‌ای مطبخ در فضای بسته است. در هنگام پذیرایی از مهمان، سیاه‌چادر اصلی، محل رویداد پذیرایی از مهمان رسمی است و کلیه فعالیت‌های مربوط به آشپزی و دیگر فعالیت‌های مرتبط با حضور زنان، مطابق با معانی ذهنی حریم، در مرتبه‌ای عقب‌تر اتفاق می‌افتد.

در یوردهای عشایری، اجاق‌های سه‌گانه نیز با توجه به معانی حاکم بر فعالیت‌های پیرامون اجاق‌ها انتظام می‌یابند. مطابق با شکل ۳، این اجاق‌ها متناسب با نوع فعالیت‌های پیرامون آن به ترتیب شامل؛ ۱. دورهم‌نشینی، ۲. پخت‌وپز و ۳. پخت فرآورده‌های لبنی، نسبت به سیاه‌چادر اصلی زندگی خانوار، نزدیک تا دور قرار می‌گیرند تا حریم لازم برای رویداد فعالیت‌های پیرامون هر اجاق رعایت شود.

هم‌چنین شکل ۳، بیانگر تفکیک قرارگاه‌های «فعالیت‌های مطبخ» از قرارگاه «پذیرایی از مهمان» در سیاه‌چادر اصلی خانوار بوده که تحت معنی «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار» در یک یورد عشایری شکل گرفته است. فواصل این تفکیک با توجه به جایگاه اجتماعی هر خانوار در یورد، فاصله فضایی متفاوتی به خود گرفته‌اند. در خانواده پدر، بیشترین فاصله فضایی تفکیک بین سیاه‌چادر قرارگاه پذیرایی از مهمان و چادر مطبخ مشاهده می‌شود. در خانواده پسر بزرگ، این فاصله کمتر شده و در خانواده پسر کوچک، این فاصله از بین می‌رود و قرارگاه‌های مطبخ چسبیده به سیاه‌چادر خانواده پسر کوچک انتظام یافته و فقط با یک جداره از جنس آلچیق تفکیک می‌شوند. این فواصل تفکیک که متناسب با سلسله مراتب جایگاه اجتماعی هر خانواده شکل گرفته، پاسخ‌گوی معنی «رعایت محرمیت خانواده» هم هستند.

در خانوارهای با منزلت اجتماعی بالا، برای قرارگاه‌های اصلی زندگی و قرارگاه‌های مطبخ، تفکیک با فاصله فضایی مناسب قائل شده‌اند. لیکن در خانوارهای با منزلت اجتماعی پایین، این قرارگاه‌ها در مجاورت هم در یک فضا و بعضاً با تفکیک به وسیله پرده پارچه‌ای تجمع شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که رعایت حداقل فواصل و تفکیک فضایی قرارگاه‌های ناهمخوان، با توجه به وضعیت خانوار صورت می‌پذیرد. به هر حال، معانی در یک گروه فرهنگی ثابت بوده، ولی وضعیت اجتماعی و اقتصادی متفاوت خانوارها، شکل متفاوتی از مسکن را بر اساس آرایش متفاوت قرارگاه‌ها و فواصل فضایی برای تأمین معانی فراهم می‌آورند که نمونه آن در شکل ۳ در مسکن خانواده پسر کوچک مشهود است.

در روش زندگی قشقایی‌ها، به اولویت یا توالی مناسب زمانی فعالیت‌ها در عادت‌واره‌های روش زندگی توجه می‌شود. در زندگی روزمره، اولویت و توالی زمانی فعالیت‌ها به‌طور معمول رعایت شده، لیکن توالی فعالیت‌ها در برگزاری مهمانی و مراسم‌ها (ارتباط اجتماعی در سطح اجتماعی خویشاوندی و عمومی) به‌منظور رعایت وجهه فعالیت پذیرایی از مهمان، دستخوش تغییر می‌شود. بدین لحاظ، عنصر زمان به‌عنوان جزئی از محیط ساخته‌شده عشایری تنظیم می‌شود.

مسکن قشقایی‌ها، ترکیبی از توالی زمانی و فضایی قرارگاه‌ها در فضاهای مسکن است. در یوردهای قشقایی، نظامی از فعالیت‌ها در قرارگاه‌های مختلف در یک فضا در طول زمان روی داده که باعث توالی زمانی قرارگاه‌های رفتار در یک فضا می‌شوند. بنابراین، استفاده‌های متعدد از یک قرارگاه بر اساس زمان‌بندی روی داده و توالی زمانی فعالیت‌ها در یک فضا به‌جای فواصل فضایی قرارگاه‌ها شکل گرفته و به عدم نیاز به تدارک فضاهای کالبدی بیشتر در محیط مسکن منتهی می‌شود. بر این اساس، حریم افراد و فعالیت‌ها از طریق گذشت زمان رعایت می‌شود.

رویکرد توالی زمانی قرارگاه‌های متفاوت در یک فضا در محیط‌های زندگی روستایی و عشایری، باعث شده است که نام‌گذاری فضاها در این محیط‌ها با نام‌گذاری فضاهای مسکن در دیگر محیط‌های ساخته‌شده متفاوت باشد. در یورد عشایر، فضای اصلی زندگی خانوار، فعالیت‌هایی هم‌چون؛ پذیرایی از مهمان، خواب و استراحت مهمان، خواب اعضا یا فرزندان خانوار، صرف وعده‌های غذایی و دورهم‌نشینی و گفتگو در مقاطع مختلف زمانی روی می‌دهند. در سیاه‌چادر مطبخ نیز که با تعلق آن را فضای «مطبخ» معرفی کرده، دامنه‌ای از فعالیت‌ها هم‌چون پذیرایی از مهمان خودمانی، قالبی‌بافی، فعالیت‌های پخت و تدارک غذا، دورهم‌نشینی و گفتگو، صرف وعده‌های غذایی، خواب اعضای خانواده در صورت وجود مهمان و خواب والدین در طول زمان صورت می‌پذیرند. بنابراین، رویکرد انتظام زمانی قرارگاه‌ها در یک فضا در روش زندگی عشایر، امکان نام‌گذاری مشخص برای فضاها را دشوار می‌سازد.

وقتی فعالیت‌ها به‌همراه افراد انجام‌دهنده آن در نظر گرفته شده، معانی مکملی بر اساس الگوهای فرهنگی به آن اضافه می‌شوند. این معانی تکمیلی، منشأ قانون‌مندی ذهنی است که بر فضا‌مندی و زمان‌مندی فعالیت‌ها تأثیر مستقیم گذاشته و باعث استقرار و دسته‌بندی فضایی و زمانی قرارگاه‌های رفتار فعالیت‌ها بر حسب افراد فعالیت‌کننده می‌شود. قانون‌مندی ذهنی حاکم بر استقرار و دسته‌بندی قرارگاه‌ها، فضاها و

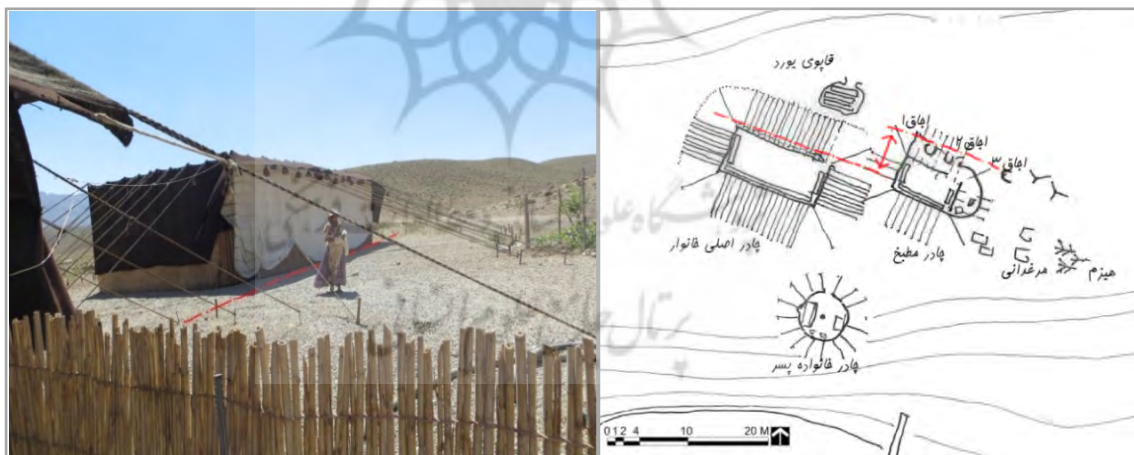
شود. با این وجود، ساکنین برای تأمین معانی ذهنی خود با تأکید بر اختلاف ابعاد فضائی و ایجاد موانع بصری، اهمیت سیاه‌چادر اصلی زندگی خانوار و رعایت محرمیت را به صورت مؤکد بیان نموده‌اند.

مطالعه تغییرات نحوه نمایش فواصل حریم، از دیگر یافته‌های این پژوهش است که ابعادی متفاوت از نحوه نمایش فواصل حریم را می‌شناساند. تغییرات انتظام فضائی مسکن، بر اساس ترسیم نقشه وضع موجود و مقایسه آن با عکس‌های هوایی چند سال اخیر محیط یوردهای عشایری و مصاحبه‌های تکمیلی، بررسی شدند.

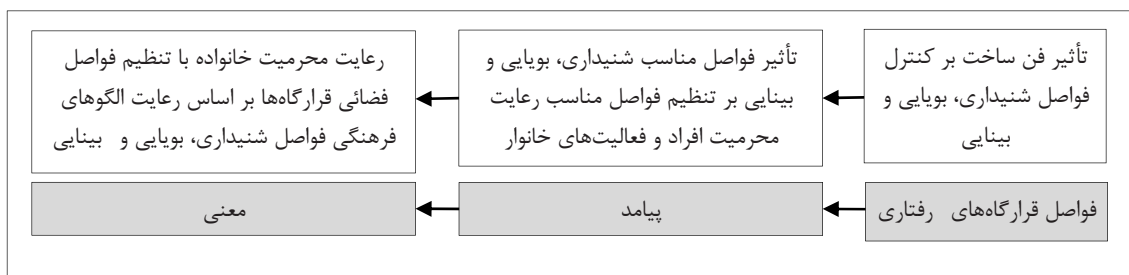
ایجاد ساختمان جدید به جای سیاه‌چادر برای اقامت بلندمدت، با تغییراتی نسبت به فواصل فضائی عناصر یورد چادری همراه شده است. فن ساخت جدید بنائی با جداره‌های ضخیم، امکان کنترل مناسب شنوایی، بویایی و بینایی را فراهم آورده و پاسخ‌گوی معانی ذهنی و الگوهای فرهنگی تنظیم فواصل شنیداری، بویایی و بینایی «رعایت محرمیت» می‌شود. بنابراین مطابق با اشکال ۶ و ۷ و ۸، فن ساخت جدید بنائی، باعث کمتر شدن فاصله ساختمان جدید و چادر مطبخ در یورد عشایر می‌شود. پیامد کمتر شدن این فاصله، «تسهیل روابط فضائی قرارگاه‌های رفتار» و «توالی مناسب زمانی

فواصل فضائی حریم را در محیط زندگی انتظام می‌بخشد. رویداد فعالیت‌های مختلف در یوردهای عشایری، نیازمند بستر مناسب طبیعی است. موقعیت قرارگیری یورد عشایری در محدوده مالکیت، بالاچار با وضعیت توپوگرافی محیط طبیعی سکونتگاه درگیر است و بعضاً موقعیت یورد عشایری، تحت تأثیر محدودیت‌های توپوگرافیک محیط سکونت قرار می‌گیرد. محدودیت‌های توپوگرافیک، انتظام فضاها را اصلی و وابسته مسکن هم‌چون مطبخ و فضای دام را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در صورت فقدان ویژگی‌های طبیعی مناسب، جای‌گیری عناصر فضائی ضمن پاسخ‌گویی به معانی ذهنی در روش زندگی، با محدودیت‌های محیط طبیعی نیز منطبق می‌شود.

مثال ذیل، غلبه محدودیت‌های محیط طبیعی بر فواصل حریم و معانی ذهنی انسان را نشان می‌دهد. به‌طور معمول، در یوردهای عشایری، سیاه‌چادر مطبخ به دلایل معانی حاکم بر آن انواع فعالیت‌های درون آن و هم‌چنین زنان به‌عنوان انجام‌دهنده فعالیت‌های آن از سیاه‌چادر اصلی خانوار عقب‌تر نصب می‌شود؛ اما در مواردی، همان‌طور که در اشکال ۴ و ۵ می‌بینید، ویژگی‌های محیط طبیعی باعث می‌شوند چادر مطبخ جلوتر یا هم‌تراز با سیاه‌چادر اصلی زندگی خانوار نصب



اشکال ۴ و ۵. تأثیر محدودیت‌های محیط طبیعی و عدم هماهنگی آرایش فضائی محیط ساخته‌شده با معانی ذهنی حریم (نگارنده)



شکل ۶. نمودار سلسله پیامد- معنی حاکم بر تنظیم فواصل حریم قرارگاه‌های رفتار در یوردهای عشایری (نگارنده)

رفتار» بر انتظام فضاهای زندگی در یوردهای عشایری مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین مطابق با شکل ۶، معانی ثابت تحت تأثیر فن ساخت متفاوت، فواصل فضایی عناصر و شکل متفاوتی را در مسکن یک گروه فرهنگی مطابق با اشکال ۷ و ۸، به‌نمایش می‌گذارند.

رویدادهای رفتاری «است؛ بنابراین معانی ثابت، هم‌چنان حاکم به انتظام فضاها هستند. نکته آموزنده این‌گونه تغییرات، قدرت تأثیرگذاری معانی ذهنی هم‌چون «رعایت محرمیت خانواده» بر انتظام فضاهای زندگی است و به‌محض جواب‌گویی به آن توسط فن ساخت جدید و تأمین مناسب فواصل کمتر برای رعایت محرمیت، «تسهیل روابط فضایی قرارگاه‌های



اشکال ۷ و ۸. کمتر شدن فاصله چادر مطبخ نسبت به ساختمان جدید تحت الگوهای فرهنگی تنظیم فواصل شنیداری، بویایی و بینایی «رعایت محرمیت» (نگارنده)

نتیجه‌گیری

دست‌آورد اصلی تحقیق اشاره به این دارد که حریم به دو صورت فضایی و زمانی در محیط ساخته‌شده نمایش داده و رعایت می‌شود. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که معانی ذهنی فرهنگی طی پیامدهای مشخص، بر فواصل فضایی و زمانی برای تأمین حریم فعالیت‌ها تأثیر می‌گذارند. مطابق با نتایج تجربی، دست‌آورد دیگر این تحقیق، فهم نحوه اثرگذاری معانی و ارزش‌هایی هم‌چون «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار» و «رعایت محرمیت افراد و فعالیت‌های خانوار» بر ایجاد حریم در مطالعه موردی است که منجر به «رعایت الگوهای فرهنگی» می‌شود. این معانی، قواعد ذهنی حاکم بر سامان‌دهی حریم فضایی و زمانی هستند. از این دیدگاه، سامان‌دهی خصوصیات فضایی و زمانی محیط، در خدمت تأمین معانی ذهنی انسان است.

خصوصیات فضایی، بر جنبه‌هایی مانند «فاصله فضایی» و «جلو/عقب» در محیط سکونت افراد اثر می‌گذارند تا حریم مورد نظر رعایت شود. در این راستا، خصوصیات زمانی، و جوهی مانند «فاصله زمانی» و «توالی زمانی قرارگاه‌ها» را مورد استفاده قرار می‌دهند. مسأله مهمی که در این پژوهش شاخص می‌شود این است که رعایت حریم، ریشه در رعایت فواصل مناسب بویایی، شنوایی و بینایی محرمیت در فرهنگ هر جامعه دارد. این خصوصیات فضایی و زمانی در کنار هم، فهمی از چگونگی شکل‌گیری سکونتگاه‌های انسانی و نحوه تعامل انسان با محیط اجتماعی و کالبدی زندگی را به‌دست می‌دهند.

آن‌چه که باعث رضایت‌مندی ذهنی انسان از محیط زندگی می‌شود، هم‌ساختی مناسب بین خصوصیات محیط ساخته‌شده با قواعد معانی ذهنی هم‌چون حریم است. جواب‌گویی به معانی، رضایت‌مندی ذهنی انسان را فراهم می‌آورد. مضاف بر این، تأثیر غیر کلامی بر محیط ادراکی دیگر افراد در محیط اجتماعی پیرامون، رضایت‌مندی ثانویه‌ای

را به همراه دارد. معانی، قوانین حاکم بر تعاملات اجتماعی از طریق ارتباط غیر کلامی و غیر مستقیم به وسیله محیط ساخته شده نیز هستند. بدین لحاظ، رضایت مندی ذهنی دیگری که حاکمیت معانی در بر محیط ساخته شده در ذهن انسان فراهم می کند، تأثیر گذاری بر محیط ادراکی دیگران برای ایجاد ارتباط غیر مستقیم، غیر کلامی، مطمئن و مؤثر است. پیامدهای تأثیر بر محیط ادراکی دیگر افراد محیط اجتماعی، هدایت آنها به انجام رفتار دلخواه فرد و احترام به نظام ارزشی و ساختار معانی ذهنی هم چون «جایگاه اجتماعی» و «رعایت محرمیت خانواده» او هستند. پژوهش های آتی در زمینه این مقاله، می توانند به تحقیق در مورد دیگر مفاهیم و معانی تأثیر گذار بر انتظام فضائی و زمانی مسکن پرداخته که به صورت یک نظام معنایی، بر شکل گیری سکونتگاه های انسانی تأثیر گذاشته اند. در این رابطه، می توان به معانی هم چون امنیت، منزلت و هویت اشاره نمود.

پی نوشت

1. Talcott Parsons
2. Social Action
3. Social System
4. Max Weber
5. Social Institution
6. World View
7. Values
8. Lifestyle
9. Privacy
10. Security
11. Behavior Setting



منابع و مأخذ

- آشوری، داریوش (۱۳۸۹). *تعریف ها و مفهوم فرهنگ*. چاپ اول، تهران: آگه.
- آشوری، داریوش و همکاران (۱۳۸۱). *مسائل و چشم اندازهای فرهنگ (مجموعه مقالات)*. چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- افشاری، محسن (۱۳۷۷). *مقایسه معماری خانه های یزد و سیاه چادرهای قشقائی*. اولین همایش کشف آهنگ طبیعت، دانشکده معماری مجتمع هنر، دانشگاه یزد. یزد: دانشگاه یزد. ۳۱-۲۳.
- _____ (۱۳۸۳). *"مطالعه و طراحی مسکن مناسب برای عشایر قشقائی"*. پایان نامه کارشناسی ارشد، معماری. یزد: دانشگاه یزد.
- _____ (۱۳۸۸ الف). *مبلمان چند هزار ساله*. دومین کنفرانس بین المللی تجارت جهانی مبلمان، طراحی و دکوراسیون داخلی، (دکو ۲۰۰۹). تهران. (درج در لوح فشرده کنفرانس).
- _____ (۱۳۸۸ ب). *هنر معماری عشایر، نگاهی نو به معماری سازگار یافته با کوچ*. دومین همایش هنر فرهنگ عشایر ایران، فرهنگستان هنر. تهران. (درج در لوح فشرده همایش).
- _____ (۱۳۸۹ الف). *احکام و ضوابط طراحی مسکن روستایی*. مجموعه مقالات بخش برنامه ریزی و طراحی مسکن روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ۹۲-۸۱.
- _____ (۱۳۸۹ ب). *طراحی و ساخت بناها با گیاهان نی سان*. ماهنامه فنی - تخصصی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، ۳ (۱۸۶ و ۱۸۷)، ۶۰-۵۲.
- _____ (۱۳۸۹ پ). *سبک سازی و الهام از معماری بومی*. ماهنامه فنی - تخصصی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، ۳ (۱۹۰-۱۸۸)، ۶۵-۵۷.

- _____ (۱۳۹۰). معماری چادری و کابلی عشایر ایران. ماهنامه فنی - تخصصی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، ۳ (۱۹۸ و ۱۹۹)، ۴۶-۵۶.
- _____ (۱۳۹۴). "سازگاری محیط باروش زندگی انسان، مطالعه موردی ایل قشقائی". رساله دکتری، معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- _____ (۱۳۸۹). عباس (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری. چاپ اول، تهران: دیدار.
- _____ (۱۳۹۰). شهرام (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا، ۳۰ (۱۳۴)، ۱۸-۳.
- _____ (۱۳۹۴). منظر انسانی در محیط مسکونی. چاپ اول، تهران: آرمانشهر.
- _____ (۱۳۸۸). چنگیز (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن. چاپ اول، تهران: نی.
- _____ (۱۳۹۰). فرهنگ‌شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، فرهنگ‌پذیری، سیاست و توسعه فرهنگی. چاپ اول، تهران: قطره.
- _____ (۱۳۴۷). ایل قشقائی. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۸). انسان‌شناس مسکن. ترجمه خسرو افطلیان، چاپ اول، تهران: حرفه هنرمند.
- _____ (۱۳۸۹). فرامرز (۱۳۸۹). آناتومی جامعه. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۹۱). دیگران (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ (۳)، ۲۵۰-۲۳۸.
- _____ (۱۳۹۱). گئی (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: نی.
- _____ (۱۳۸۲). کریستین نوربرگ (۱۳۸۲). معماری: معنا و مکان. ترجمه ویدا نوروز برازجانی، چاپ اول، تهران: جان جهان.
- _____ (۱۳۸۹). محسن (۱۳۸۹). "مسکن مناسب عشایر به‌عنوان یکی از نمونه‌های پایدار فرهنگ بومی ایران". طرح پژوهشی. اصفهان: مؤسسه فرهنگی آموزشی سما وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- _____ (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- Afshari, M. & Alinaghizadeh, M (2012). Educational and practical approach to the study of native architecture - case study: study of Qashqai tribe housing as one example of a sustainable native culture of Iran. **Procedia Social and Behavioral Journal**, 51 (1), 373 – 379.
- Alinaghizadeh, M. & Afshari, M (2012). Study the functional aspects of architecture through the analytical survey of native architecture - case study: functional study of sedentary of Qashqai tribes housing. **Procedia Social and Behavioral Journal**, 51 (1), 380 – 385.
- Barker, R. G (1968). **Ecological Psychology Concepts and Methods for studying the Environment of Human Behavior**. Stanford, California: Stanford University Press.
- Charmaz, K (2006). **Constructing Grounded Theory a Practical Guide Through Qualitative Analysis**. London: Sage Publications.
- Hillier, B (2007). **Space is the Machine**. London: Space Syntax.
- Lefebvre, H (1991). **The Production of Space**. Oxford: Blackwell.
- Rapoport, A (1980). Cross-Cultural Aspects of Environmental Design. **Human Behavior and Environment**. In Altman, I.; Rapoport, A. & Wohlwill J. F. (Eds.). New York: Plenum Press. 7-46.
- _____ (1993). System of activities and system of settings. **Domestic Architecture and the use of space, an interdisciplinary cross-cultural study**. In kent, S. (Ed.). Cambridge: Cambridge University Press. 9-20.



- _____ (2005). **Culture, Architecture, and Design**. Chicago, Illinois: Locke Science Publishing Company, Inc.
- Scott, M. M (2005). A Powerful Theory and a Paradox: Ecological Psychologists after Barker. **Journal of Environment and Behavior**, 37(3), 295-329.
- Wicker, A (1979). **An Introduction to Ecological Psychology**. Monterey, California: Brooks/Cole Publishing Company.
- _____ (2012). Perspectives on Behavior Settings: With Illustrations from Allison's Ethnography of a Japanese Hostess Club. **Environment and Behavior**, 44 (4), 474-491.





Received: 2017/03/22

Accepted: 2018/11/04

Privacy Spatial and Temporal Distances in Nomadic Settlements

Mohsen Afshari*

Abstract

Human always in interaction with their social environment, have consider some degree of privacy with different purposes, for themselves, the people around them and carry out their activities. Creating privacy depends on two elements; subjective meanings that ruling the creation of privacy, and the second sentence are person available facilities. Privacy is not seen, heard, smelled and availability of things that find objectivity with respect to spatial and temporal distances in the living environment. The main issue of this research is to inquire about the nature of privacy in residential areas, and its purpose is to understand the reasons for the formation of privacy in residential areas. The significance and necessity of this research can be expressed in a definition of the dwelling in such a way that the dwelling is the center of everyday human activities, which these activities are separated from each other by privacies. Therefore, it is necessary to examine the nature of these privacies, which defines the external credibility of the research in order to redefine this feature in the design of residential environments. The present research has been based on the observation and description of manmade environment, with reasons argues to the characteristics of privacy types, its origins and how it deals with the physical environment, which is adorned with objective evidence of Qashqai tribe living environment. The findings of this study show that the subjective meanings ruling on the creation of privacy in case study residential environments are affected by things such as "social situation" and "family social status", and facilities that are used in the environment to ensure privacy, are spatial and temporal characteristics in man-made environments. Spatial characteristics with aspects such as "spatial distance" and "forward / backward" afford privacy in the physical environment, and temporal characteristics get the aspects such as "temporal distance" and "temporal sequence of settings", that have rooted in respect smelling, hearing and visual distances in different cultures. The results of this research help to understand how human use of the environment affordances for interaction with their social environment.

Keywords: Dwelling, Privacy, Spatial and Temporal Distances, Qashqai tribe.

* Assistant Professor, Architecture and Urban Planning Department, Art University of Isfahan, Iran.